



چهارشنبه ۲۱ می ۲۰۱۷

قلب افغانستان آماج جنایات علیه بشریت

تروریستان شریک بین المللی به تعقیب جنایات قبلی شان بخاطر اثبات نا مسلمان بودن شان ماه عبادت و طهارت روزه را با جنایت هولناک در ولایت خوست آغاز و با تداوم کشتار مردم مظلوم در سایر محلات ، امروز بار دیگر با جنایت هولناک تروریستی ، کربلای خونبار را در شهر کابل تکرار و قلب حزین افغانستان به اعزا نشستہ را خونین و داغدار ساختند .

در مطابقت با تمام معیار های حقوقی، موازین قبول شده حیات مدنی و دینی، این بربریت، تجاوز بر والایترین ارزشهای انسانی و مدنی بوده و قتل انسانیت میباشد و باید بمثابة جنایت دهشتبار « جنگی » ، « ضد بشری » و « علیه بشریت » بطور گسترده در مقیاس ملی و بین المللی مورد نفرت قرار گرفته و تدابیر عاجل بخاطر گرفتاری و محاکمه جنایتکاران اتخاذ و سازماندهندگان و دولت های حامی آنان در فهرست سیاه سازمان ملل متحد درج و مورد تعزیرات شدید بین المللی قرار گیرد.

مطابق به تمام معیار های حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (۱۹۰۷ م)، تا اساسنامه نورنبرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهارگانه ژینو (۱۹۴۸ م)، این عمل جنایتکارانه که «بشکل هدفمند» و «از قبل پلان شده» صورت گرفته در کتگوری «جنایات: جنگی، ضد بشری و علیه بشریت» مسجل گردیده است.

مطابق کنوانسیونهای یاد شده ژینو: «جنایات جنگی شامل تمام موارد نقض حقوق بشردوستانه در منازعات و درگیری های جنگی میشوند و جنایات ضد بشری اعمال پراز قساوت برضد انسانها کشتار گروهی و تعرض بر سلامت جسمی و اخلاقی انسانان را احتوا مینماید».

در همچو موارد که وقوع «جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی و ضد بشری»، اظهر من الشمس است، موارد الزام حقوقی بر مجرم، سازمان عامل و دولت حامی، از طرف مراجع مسئول وارد شده میتواند.

در برابر این مصیبت ملی که باعث شهادت و مجروحیت دها هموطن عزیز که مرگ « انسانیت » به نمایش گذاشته میشود و مردم مظلوم ما از طبیعی ترین حق شان (حق حیات) محروم میگرددند ، چه میتوان کرد؟

تقییح و محکوم ساختن متحد المال و یا به سبک و سیاق سیاست بازان عوام فریب، مزورانه با استدعای اصلاح قاتلان سفاک و متکرر، اکتفا کرد؟

هشدار و زینهار !!!

ای ملت از برای خدا هوشیار شوید !!!

گوسپندی برد این گرگ مزور همه روز

گوسپندان دیگر خیره در او مینگرند

کارد به استخوان رسیده و دشمنان تاریخی افغانستان، پلان نابودی این سرزمین رامتحقق میسازند. افغانستان در دایره شیطانی محور های شرارت منطقه و جهان و در گرداب طوفانزای کشمکش رقبای سیطره جو وجهانخوار دور جدید بازیهای بزرگ و مسابقه جیوپولیتیک و نیابتی منطقه یی و جهانی کماکان بخاک و خون کشانیده میشود.

در یک بازی بسیار پیچیده و مرموز و مافیایی که مخوفترین اشکال بنیادگرایی «اسلامی» بمثابة ابزار آن استخدام گردیده است، افغانان را از اساسی ترین حق طبیعی، یعنی حق حیات، حق داشتن کشور و اعمال حق حاکمیت ملی و حق گذار بشاهراه تمدن محروم میسازند، تا سر زمین افغانان لانه تروریستان، کشتزار مواد مخدر، عمق ستراتیژیک و معبر ورود به آسیای میانه مورد استفاده قرارگیرد. مقابله با ارواح خبیثه و سونامی خوفناک بنیادگرایی «اسلامی» و شرارت پیشه گان تروریست، مستلزم یک منشور ملی است تا بخاطر دفاع از حقوق یاد شده یی مردم و وطن، ترور و تروریسم بمثابة دشمن مشترک هست و بود افغانستان اعلام و مورد نفرت ملی قرارگیرد. تروریست و قاتل قوم و مذهب ندارد و دشمن تمام مذاهب و اقوام با هم برادر و برابر افغانستان میباشد.

تکرار مصیبت ملی نباید با تکرار عزای ملی جواب گفته شود. بخاطر دفاع از حق حیات و زندگی مردم ، باید رمضان خونین و این چهارشنبه سیاه را به روز رستاخیز ملی و نقطه پیوند ملی مبدل ساخت و با چنگ زدن به وحدت ملی که هست و بود افغانستان در گرو آن است، بخاطر تن آغشته بخون مادر وطن وفاق و اشتراک گسترده ملی را برای دادخواهی حقوق افغان و افغانستان سازمان داد.

چشمداشت از اجانب و به اصطلاح جامعه بین المللی که مسئولیت اخلاقی شان در قبال تراژیدی خونبار افغانستان که معلول و محصول مداخله خارجی بوده ،واضح میباشد. اما در احوال افتراق ملی و فقدان اقتدار ملی، وجاهت و اعتبار ملی یک سرابی بیش نخواهد بود.

بدون موجودیت عامل نیرومند داخلی که همانا دولت مقتدر ملی و متکی بر حاکمیت قانون و قوای مسلح ملی و غیر تنظیمی و قومی، هیچگاهی مقابله با احوال اسفبار جاری ممکن نمیگردد.

هرگاه حاکمیت قانون وجود میداشت در همچو حوادث خونین در گام نخست باید مسئولین درجه یک « حکومت وحدت ملی » مورد استجواب و بازپرس قرار گیرند و ستون پنجم که زمینه سازی وقوع این فاجعه را نموده، مشخص گردد.

یک دولت کارا، دستگاه دیپلوماسی مسول و فعال میتواند رسالت دفاع و داد خواهی از حقوق مردم ووطن را در مقیاس جهان مطرح و بشورای امنیت سازمان ملل متحد عارض گردد.

دیگر از کفر ابلیس معروفتر است که پاکستان مرکز تروریسم و دولت آنکشور حامی تروریستان میباشد و ببرکت سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس روز تا روز گستاخانه تر عمل مینماید. باید اذعان داشت که در اوضاع وخیم و پیچیده کشور گسیل بیشتر عساکر آمریکائی به افغانستان حل مشکل نبوده و نخواهد بود بلکه اتخاذ یک سیاست روشن و شفاف دولت امریکا در برابر دولت پاکستان، بحیث محور شرارت منطقی و حمایت و تقویه تروریسم بین المللی، موثر تر خواهد بود.

دوسیه پاکستان بنابر همین دلایل میتواند در شورای امنیت ملل متحد، بر وفق فصل هفتم منشور و متکی بر اصل United nations sancations بحیث مرکز تروریسم و دولت آنکشور بمثابه حامی تروریستان بر طبق اصل Legal settlement sancation مورد تعزیرات قرار گرفته و بحیث یکی از محور های خطرناک شرارت با تحریم ها مواجه گردد.

هرگاه پارلمان ممثل اراده ملت وجود میداشت، طرح این سوال مبرمیت خاص دارد که این همه پیمانهای ستراتیژیک و بخصوص با ایالات متحده امریکا، چرا تطبیق نمیگردد. بر اساس عرف حقوق بین المللی قرارداد های که ضمانت اجرایی نداشته و مرعی الاجرا نگرده، (کان لم یکن) پنداشته میشود. Pact Sunt Sarwanda همان اصل حقوقی باستان است که در حقوق بین المللی معاصر نیز ماهیت و اهمیت قرارداد ها را توضیح میدارد.

این دیگر مضحک مینماید که امریکا با افغانستان پیمان ستراتیژیک دارد و توسط متحد «پیمانکار» آن سلاخی میگردد. وقت آن رسیده است تا دولت های غربی با معیار و برخورد دوگانه با تعریف ترور و تروریسم و تبعیض خون افغان ، عراقی و ... با شهروندان مانچستر ، پاریس و ... وداع نماید .

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با احساس مسئولیت در قبال افغانستان و تراژیدی خونبار مردم به عزا نشسته ما، این اعلامیه را بخاطر دادخواهی و بلند کردن صدای اعتراض به تمام نهاد و مراجع افغانی و بین المللی ارائه مینماید و از هموطنان عزیز و نهادهای افغانی متمنی است تا با قلم و قدم بخاطر دفاع از حقوق مردم و افغانستان که قربانی تروریسم است ، اشتراک مساعی نمایند.

با حرمت

هیات اجراییه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

www.hogooq.eu